

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

مبارزه برای جهانی بدون مرز (افغانستان – ایران)
۲۳ اگست ۲۰۲۱

خیانتی دیگر علیه افغانستان

یک بار دیگر قدرت های بزرگ خیانتی تاریخی و جنایتی بزرگ علیه مردم افغانستان را مرتکب شدند. نه به این دلیل که امریکا و ناتو نیروهای شان را از افغانستان بیرون کشیدند چرا که تاریخ نشان داده است دخالت قدرت های بزرگ فقط باعث بدبختی و فلاکت مردم افغانستان بوده است. آنها به هیچ وجه افغانستان را به حال خود رها نکردند بلکه خیانت کردند به این دلیل که یک بار دیگر سرنوشت مردم افغانستان را به معامله گذارند. آنها از طریق مذاکرات مستقیم با پاکستان و طالبان به توافق رسیدند که دولت دست نشاندۀ شان را مجبور کنند که ۵ تا ۶ هزار نیروی زبده طالبان را از زندانها آزاد کنند و طالبان را در قدرت سیاسی افغانستان به نوعی سهیم سازند که دست بالا را داشته باشند. آنها قبل از خروج مطمئن شدند که افغانستان در دست مرتجع ترین و واپس گرا ترین نیروهای بنیادگرا و حامیان منطقه ئی آنها یعنی طالبان و حامیان منطقه ئی آنها پاکستان و بعد هم عربستان سپرده شده است. در حقیقت طالبان در نتیجه یک معامله و موافقت نامه با نماینده امریکا "زلمی خلیلزاد" به قدرت رسید. موافقت نامه ای که بخش عمده آن علنی نشد. نزدیک به دو سال روی آن کار شد و علاوه بر جلسات متعدد بین نمایندگان امریکا و طالبان جلسات متعددی در پشت پرده میان امریکا و پاکستان و همچنین دولت های منطقه برگزار شد. امریکا اولویت های جهانی اش تغییر کرده در همان حال عاجز از برقراری یک ثبات سیاسی در افغانستان شد سرانجام در توافق با پاکستان و احتمالاً عربستان به عبث به این نتیجه رسید که ثبات نسبی توسط طالبان و با اعمال خشونت های آنها علیه مردم ممکن است. بسیاری تحلیل گران، و رسانه ها و یا کاربران رسانه های اجتماعی و همچنین برخی جریانات، خروج نیروهای امریکائی از افغانستان را شکست امریکا تلقی کرده اند موضوع در اصل در اینجا شکست امریکا نیست و آنگونه که برخی نا بخردانه آن را با خروج امریکا از سایگون در ویتنام مقایسه می کنند، نیست. خیر این دو مورد متفاوت است. نیروهای مرتجع طالبان یک نیروی قرون وسطائی بنیادگرا و واپسگر قابل مقایسه با ارتش آزادیبخش ویتنام جنوبی نیستند. ارتش آزادیبخش ویتنام جنوبی یک نیروی انقلابی و برای رهائی کشور می جنگیدند. و بالاخره شکست سختی را نصیب امریکا کردند که باعث شد شبانه و با هلی کوپتر از پشت بام سفارت امریکا فرار کنند. در حالی که در شرایط کنونی امریکا بعد از خروج دوباره چند هزار نیرو در افغانستان پیاده کرد و کنترل فرودگاه کابل را در دست خود گرفت. مبارزات مردم ویتنام شمالی و ارتش آزادیبخش ویتنام جنوبی باعث شده بود که یک جنبش صلح خواهی و ضدیت با ارتش امریکا در سراسر دنیا برای خروج امریکا از ویتنام زاده شود. نیروی انقلابی که در رهبری مبارزات

آزادبخش ویتنام بودند از طرف اکثریت قاطع مردم ویتنام پشتیبانی می شد و پشتیبانان آن در جهان بسیار بودند. امریکا به معنای واقعی شکست خورد و از ویتنام فرار کرد. طالبان یک نیروی منفور در میان مردم افغانستان است.

امریکا با امضای موافقت نامه مستقیم با طالبان و فشار به دولت برای آزاد کردن زندانیان مهم طالبان و مذاکره با طالبان تحت هر شرایطی و قول بخش بزرگی از دولت به آنها نه تنها در میان دولت های مرتجع و رسانه های مهم به طالبان مشروعیت داد بلکه به آنها اعتماد به نفس بخشید. امریکا و متحدینش در دو سال گذشته به خشونت های مرگبار فزاینده طالبان هنگامی که در کابل، پوهنتون ها، شفاخانه ها و مدارس دخترانه را منفجر می کردند، اعتراضی نکرد. در کنار این مسایل طالبان از رهبری و راهنمایی های تکتیکی و استراتژیکی اردو(ارتش) و استخبارات پاکستان نیز بهره می برد. این مسایل به طالبان جرأت داد. در چنین شرایطی، تأثیرات روحی نا مناسبی را بر دولت و ارتش گذارد. شکی نیست که توافق امریکا و طالبان، ناخوشایندی دولت افغانستان که توسط خود امریکائی بر سرکار گمارده شده بود را در بر داشت و در ابتداء مخالفت و مقاومت از خود نشان داد. اما این مقاومت از حد یک سری مخالفت های سطحی نمی توانست فراتر رود. دلایل این مسأله بسیار روشن است. این دولت نماینده مردم افغانستان نبود و به خاطر ضعف های ذاتی و وابستگی اش قادر نبود که در مقابل طالبان ایستادگی کند. سرتاسر این دولت را فساد در بر گرفته بود و به غیر از دست دراز کردن جلوی امپریالیستها و کشورهای خارجی نمی توانست به اقتصاد افغانستان سرو سامان دهد. اختلافات بسیار در درون حکومت بر سر قدرت و قبضه کردن پست های کلیدی برای چاپیدن بیشتر، این دولت را بیش از پیش ضعیف کرده بود. دولت اشرف غنی و ارتش آن حتی شکم سربازان و خانواده هایشان را نمی توانستند سیر کنند. دستمزد بسیاری از سربازان ماهها به تعویق افتاده بود. در چنین شرایطی انگیزه ای برای مبارزه و کشته شدن نداشتند. آنجا هم که سربازان قصد مقاومت داشتند دستور عقب نشینی "تاکتیکی" برای آنها صادر می شد. آنجا که به نیروی کمکی احتیاج داشتند پس از روزها انتظار خبری نمی شد و سرانجام تسلیم می شدند. هنگامی که اجرای این توافق نامه از جانب دولت ترمپ و به خصوص از جانب دولت بایدن بشدت پی گیری شد دیگر روحیه ارتش پوشالی در هم شکسته شده بود و طالبان شرایط را مناسب دید که تعرض ستراتیژیک خود را آغاز کند.

سقوط افغانستان به دست طالبان پیروزی سیاسی و نظامی طالبان نبود بلکه در نتیجه یک معامله بزرگ صورت می گرفت. در نتیجه یک خیانت تاریخی، خیانتی که در ذات و بطن نیروهای امپریالیستی بافته شده است. خیانتی که نمونه های آن را در تاریخ توسط قدرت های بزرگ داشته ایم.

آنچه می توان گفت این است که بیرون رفتن نیروهای امریکائی تعیین کننده شرایط کنونی نبود. هنگامی که امریکا نیروهایش را از بیش از ۱۵۰ هزار به کمتر از ۱۰ هزار رساند تأثیر مهمی در موقعیت نظامی نگذارد. این ۱۰ هزار نفر نیرو هم در جنگ با طالبان شرکت نمی کردند. بیشتر نقش تعلیم دهنده داشتند. جالب اینجا است که حتی امریکا نیروهایش بیرون نشده بود که تعرض ستراتیژیک طالبان آغاز شد و پایان یافت. بنابراین موضوع حضور و یا عدم حضور نیروهای امریکائی نیست بلکه موضوع خیانت و معامله ای است که مفادش در موافقت نامه آمد و بخش مهمی از آن "محرمانه" باقی ماند.

مردم افغانستان اینبار تجربه دوران حکومت اسلامی جهادی ها و دوران امارت اسلامی طالبان را دارند و به آسانی در مقابل طالبان تمکین نخواهند کرد. هر چند بایدن در سخنان فاشیستی و شونیستی و ضد مردمی خود گفت "طالبان به قدرت رسیده چون این چیزی است که افغانستان می خواهد" یا به عبارتی دیگر مردم افغانستان خواهان حکومت طالبان هستند و به صورت غیر مستقیمی بیان داشت که غلبه طالبان اجتناب نا پذیر بود، اما این دروغی بیشرمانه است. این قدرت های جهانی و منطقه ئی بودند که سرانجام به سوی طالبان رفتند و آن را بر سرپا نگاه داشتند و دوباره به قدرت

رساندند. طالبان در میان اکثریت مردم افغانستان و به خصوص زنان هیچ گونه حمایتی ندارد. طالبان حکومت قدرت الهی و قدرت امپریالیستی است و بس. اگر مردم و به خصوص زنان افغانستان طالبان را می خواستند در زیر توپ و تفنگ و آری جی افراد طالبان به مبارزه شجاعانه خود در این روزها در کابل، جلال آباد، ننگرهار، قندهار و... دست نمی زدند. اگر مردم افغانستان طالبان را می خواستند صدها هزار خانوار افغانستان به خاطر نفرتشان و ترس شان از طالبان آواره کابل و شهرهای دیگر نمی شدند. آواره مرزها نمی شدند که با درهای بسته بر روی خود و برخورد جنایتبار جمهوری اسلامی ایران، دولتهای پاکستان، تاجیکستان، ازبکستان، ترکیه، اتحادیه اروپا و ... روبه رو شوند. اگر مردم افغانستان طالبان را می خواستند چنان غلغلای در فرودگاه کابل از مردم به پا نمی شد که در زیر چرخهای هواپیما قرار بگیرند و به بالهای آن بچسبند. واقعیت این است که بایدن و همکارانش همانند پیلوت همان هواپیما علی رغم کامه های متعددی که داشت، وانمود می کند که مردم را نمی بیند و تلاش می کند آنها را زیر پای خود و قدرت امپریالیستی اش له کند.

اما سخنرانی متفرعانه و فاشیستی بایدن که برای توجیه عملکردش در افغانستان ایراد می شد، ماهیت او را بیش از پیش به نمایش گذارد. او گفت "سربازان امریکا دیگر نباید برای کشوری که سربازانش حاضر به جنگ برای خود نیستند بمیرند". این هم دروغی به همان اندازه بیشرمانه است. سربازان امریکا هیچ گاه برای افغانستان و مردم افغانستان ننجنگیده و نمرده اند. آنها برای منافع امپریالیستی امریکا به خدمت گرفته شده و کشته شده اند.

مردم افغانستان و به خصوص زنان در چند هفته ای که طالبان تعرض خود را به ولسوالی ها و سپس شهرهای بزرگ آغاز کرده بودند مشتاقانه و داوطلبانه در تلاش شدند تا در مقابل طالبان بایستند و مبارزه کنند. آنها خواهان برداشتن سلاح بودند. اما ارتش و دولت ضمن استفاده تبلیغی از این امر از ترس از دست دادن کنترل نه تنها به آنها سلاحی برای مبارزه نداد بلکه در راه سازماندهی و بسیج نیروهای مردمی سنگ اندازی کرد. در شهرهایی که نیروهای مردمی تا حدی بسیج و سازماندهی شده بودند مقاومت بیشتری در مقابل طالبان صورت گرفت.

بعد از ورود طالبان به شهر کابل مبارزات مردم و به خصوص زنان افزایش یافته است. علی رغم این که طالبان نیروهای گشت و کنترل خود را در شهرهای بزرگ افزایش داده است، مبارزات بسیاری در مخالفت با طالبان صورت گرفته است. مبارزاتی در کابل، جلال آباد، ننگرهار گزارش شده اند. همچنین مبارزات زنان مهاجر افغانستان در شهرهای مختلف ایران در تهران، قم، اصفهان، مشهد برگزار شده است که با صدای رسا اعلام کردند که "ما امارت اسلامی نمی خواهیم نمی خواهیم". زنان افغانستان در قم علی رغم این که تحت ضرب و شتم مأموران جمهوری اسلامی قرار گرفتند با شعار "مرگ بر حامیان طالبان" به مبارزه خود ادامه دادند.

جمهوری اسلامی ایران نیز علی رغم تضادهایی که در گذشته با طالبان داشت اما به نظر می رسد که به مثابه یکی از حامیان آن در منطقه ظاهر شده است. این نتیجه مذاکرات و همکاری هائی است که در طی سالیان گذشته بین طالبان و جمهوری اسلامی در جریان بوده است. اما علاوه بر آن استقبال جمهوری اسلامی ایران از طالبان دلیل مهم دیگری نیز دارد. افزایش بی تفاوتی نسبت به اسلام در میان جوانان ایران و همچنین منطقه آنها به خاطر عملکرد جمهوری اسلامی و نتایج فلاکت بارش بشدت جمهوری اسلامی را با یک بحران ایدئولوژیک روبه رو کرده است. به همین دلیل جمهوری اسلامی به وجود آمدن یک امارت اسلامی بنیادگرا در همسایگی را کمکی در خدمت حل این بحران به حساب می آورد. اما بسختی می توان انتظار داشت که چنین تحولی بتواند بحران ایدئولوژیک جمهوری اسلامی را حل کند یا تخفیف دهد. در نقطه مقابل آن مخالفت های مردم افغانستان با حکومت امارت اسلامی بنیادگرا و مبارزاتی که در حال

شکل گیری هستند حداقل نشانه نارضایتی و هسته مبارزات آینده را در خود داراست که نه تنها راه حلی برای بحران ایدئولوژیک جمهوری اسلامی نخواهد بود بلکه محتمل است که بر شدت بحران آن بیفزاید.

اما نکته دیگری که در ارتباط با به قدرت رسیدن طالبان اهمیت دارد به راه افتادن خیل عظیمی از پناهجویان به طرف کشورهای همسایه و دیگر کشورهاست. فعلاً کشورهای ایران و پاکستان مرزهای خود را در برابر پناهجویان بسته اند. این برخورد ضد انسانی در درجه اول حمایتی است که از طالبان به عمل می آورند. این برخوردهای غیر انسانی محکوم است و به معنای رها کردن مردمی است که به خاطر مخالفت با طالبان ممکن است مورد شکنجه و زندان و همچنین رفتارهای غیر انسانی که طالبان به انجام آنها معروف است روبه رو شوند. طالبان علی رغم این که ادعا کرده که تغییر کرده است و در این مورد شاهی چون جمهوری اسلامی، ترمپ و امثالهم دارد اما مردم افغانستان به این مسئله بسیار شک دارند و رفتار چند روزه طالبان و همچنین رفتارشان در دوره این جنگ خلاف این مسئله را می گوید و راهی برای مردم باقی نمی ماند مگر مبارزه علیه طالبان و امارت اسلامی شان. سرنگونی که به دست مردم و نیروهای مردمی صورت گیرد.

مبارزه برای جهانی بدون مرز (افغانستان – ایران)

۲۹ اسد (مرداد) ۲۰۲۱